

## مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اجتماعی - فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون و مسئله جرم و ناامنی اجتماعی در لرستان

سامان یوسفوند<sup>۱</sup>، مهدی سلیمانی<sup>۲</sup>، رضوان مختاران<sup>۳</sup>

از صفحه ۶۳ تا ۸۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۰۸

### چکیده

استان لرستان در سال‌های اخیر به دلیل مداخلات نوسازی، شاهد تغییرات اجتماعی - فرهنگی شتابانی بوده است و در پی آن مسائل و آسیب‌های اجتماعی در آن گسترش پیدا کرده است؛ تاحدی که مسئله امنیت اجتماعی در اولویت مسائل استان قرار گرفته است. این مقاله در پی آن است تأثیر تغییرات اجتماعی - فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون بر جرم و ناامنی اجتماعی را ارائه کند. در این راستا با بهره‌گیری از رهیافت کمی و از رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری در تبیین جرم برای ارائه الگوی جرم در لرستان استفاده شده است. نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد مدل پژوهش، به صورت قابل قبولی با داده‌ها برازش دارد و متغیرهای شهرنشینی، بیکاری، فقر، سواد و مهاجرت بیشترین تأثیر را به صورت مستقیم و غیرمستقیم در میزان افزایش جرائم و ناامنی دارند. بنا بر اطلاعات به دست آمده؛ زمینه تحریک، وسوسه و گرایش به ارتکاب جرم در جامعه مورد مطالعه بسیار بالاست و از طرفی عواملی که می‌تواند باعث خودکنترلی گردد و آستانه تحمل و تاب‌آوری افراد را در برابر جرم و خلاف بالا ببرد؛ بسیار ضعیف هستند.

استدلال این مقاله این است که طولانی شدن و به نوعی توقف فرآیند گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن مهم‌ترین عامل آنومی اجتماعی در استان لرستان است و لازم است در جهت باز جایگیری نهاد از جاکنده، اقدامات نهادی متناسب بافت محلی اتخاذ شود.

**کلیدواژه‌ها:** مسئله اجتماعی، تغییرات اجتماعی فرهنگی، مدرنیزاسیون، جرم، مدل‌یابی معادلات ساختاری.

۱. دکترای تخصصی جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی دانشگاه تهران. نویسنده مسئول Samanyousefvand68@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. mahdi.soleymani.p@gmail.com

۳. کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهرا.

## مقدمه و بیان مسئله

افزایش بی‌رویه جرائم و کجروی‌های اجتماعی امروزه به یکی از مشکلات حاد در بیشتر شهرها تبدیل شده است. به‌طورکلی کجروی‌های اجتماعی علاوه بر ایجاد احساس ناامنی و بدبینی لطمات سنگین روحی، جسمی و مالی بر دوش شهروندان می‌گذارد. مهم‌تر اینکه وقوع جرائم، تعقیب و مجازات مجرمین و مقابله با ناهنجاری‌ها مستلزم تشکیلات گسترده قضایی، انتظامی، امکانات وسیع و صرف هزینه‌های زیاد مالی برای دولت و به‌طورکلی بخش عمومی جامعه است. بی‌شک شناسایی عوامل جرم‌زا نخستین گام مبارزه با کجروی‌های اجتماعی است تا با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن، امنیت در جامعه شکل گیرد.

دیدگاه‌های متفاوتی در مورد تعریف مفهومی امنیت و عوامل تأثیرگذار بر آن وجود دارد. امنیت بیش از آن‌که واقعیتی عینی و بیرونی باشد ماهیتی ذهنی و گفتمانی دارد. امنیت در مفهوم عینی آن، فقدان تهدید علیه ارزش‌ها است و در مفهوم ذهنی، به معنای فقدان احساس ترس از این است که چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار گیرد. در سطح فردی احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان یا عدم وجود جرم در آن جامعه برمی‌گردد و هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت پایین‌تر است، ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعث از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود، ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد لیکن شهروندان در آن احساس امنیت نداشته باشند و بالعکس (کالاچیان، ۱۳۸۲: ۲۳).

جامعه‌شناسانی مانند دورکیم و مرتن ریشه‌های کجروی و ناهنجاری‌های اجتماعی را در تغییرات سریع جوامع می‌دانند و وضعیت آنومی را تابع گذار جوامع تعریف می‌کنند. دورکیم تشریح کرده است که در زمان‌های رکود اقتصادی ناگهانی و یا رشد سریع اقتصادی، آشفتگی اجتماعی و خودکشی رخ می‌دهد. مرتن به هم خوردن رابطه بین اهداف از یک طرف و وسایل مشروع برای دستیابی به این اهداف توجه می‌کند. او معتقد است در یک جامعه باثبات، بین اهداف و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و راه‌های پذیرفته‌شده از سوی عامه برای دستیابی به آن‌ها یک تعادل وجود دارد. وقتی این رابطه متعادل به هم بخورد، نظم اجتماعی از بین می‌رود و آنومی به



۶۵

وجود می‌آید (مرتین<sup>۱</sup>، ۱۹۶۸: ۱۸۵).

شرایط وقتی تغییر می‌کند که از طریق گسترش وسایل ارتباط جمعی، تصویر یک نوع زندگی مرفه‌تر (مثلاً برنامه‌های تلویزیونی یا ویدئویی) تا اقصی نقاط جوامع تکامل نیافته رخنه می‌کند (رفیع پور، ۱۳۸۰: ۱۹۸). در پی تضاد این دو عامل، نیازهای بی‌حد و حصر رشد می‌کنند پس از آن، حرکت‌های ناگهانی رکود یا رشد اقتصادی، بسیاری از مواقع یک وضعیت آنومی به شکل یک گم‌گشتگی فرهنگی جهش (و از دست دادن هویت فرهنگی) را در پی دارد که نه فقط یک نارضایتی عمیق، بلکه علاوه بر آن ناآرامی‌های سیاسی گسترده‌ای را به وجود می‌آورد (همان). استان لرستان که نظام اجتماعی آن مختصات یک جامعه روستایی - عشایری را دارد؛ در سال‌های اخیر به خاطر مداخله برخی نهادها برای توسعه اجتماعات، تغییرات اجتماعی - فرهنگی گوناگونی را به خود دیده است. فرآیند گذار از سنت به مدرنیته مسائل گسترده‌ای را بر زندگی اجتماعی بر جای گذاشته است این تغییرات دو حالت «پذیرندگی و طردکنندگی» را در پی داشته است؛ از یک طرف پیامدهای مثبتی را خلق نموده و از طرف دیگر اختلال‌های وسیعی در الگوهای سنتی زندگی ایجاد کرده که این اختلال به نوبه خود منجر به بروز مسائل اجتماعی مختلفی گردیده است؛ تا حدی که امروزه کنشگران محلی تعریف سلبی از توسعه در معنای کاهش آسیب‌های اجتماعی ارائه می‌کنند (یوسفوند، ۱۳۹۵).

با توجه به گستردگی موضوع، اهمیت و پررنگ بودن نقش رویکردهای جامعه‌شناختی در تبیین جرم، کانون توجه را به نیروهای اجتماعی و فرهنگی که بیشترین فشار را بر برخی از خانواده‌ها، افراد و گروه‌های اجتماعی وارد می‌سازد، معطوف داشته و به مطالعه تغییرات اجتماعی - فرهنگی، نرخ و میزان جرائم در استان لرستان در یک دهه گذشته پرداخته می‌شود.

در راستای مسئله مذکور، با تمرکز بر رابطه شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی با نرخ و میزان جرائم در لرستان، از رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری در تبیین جرم استفاده می‌شود.

## تحقیقات پیشین

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در حوزه جرائم و آسیب‌های اجتماعی انجام شده است (بابایی و همکاران، ۱۳۹۳؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۴؛ ورکی، ۱۳۸۷؛ علی اکبرپور و راد، ۱۳۹۴). صالحی مرزیجرانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان آسیب‌شناسی شهرنشینی در ایران امروز معتقد است که عوامل و زمینه‌های آسیب بیشتر ریشه در فقر دارد که خود ناشی از نابرابری اکولوژیکی، اقتصادی و فرهنگی و توزیع ناعادلانه ثروت در بین اقشار مختلف است. بلوک<sup>۱</sup> و هینک<sup>۲</sup> (۱۹۷۵) در مقاله‌ای خود تحت عنوان «کوششی در جهت تحلیل تئوریک نحوه انتخاب (راه‌های مشروع یا غیرقانونی) از سوی مجرمان» ضمن توسعه تئوری اقتصادی بیکر معتقدند: که افراد زمان و وقت خود را بر اساس مقایسه بین درآمد مورد انتظار حاصل از هر یک از فعالیت‌های بازار کار مشروع و فعالیت‌های مجرمانه، اختصاص می‌دهند و در این بین احتمال موفقیت آمیز بودن اعمال و همچنین شدت مجازات مورد انتظار از فعالیت مجرمانه را محاسبه و بررسی و سپس انتخاب می‌نمایند. فاینزیلبر<sup>۳</sup>، لیدرمن<sup>۴</sup> و لویزا<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای که در ارتباط با چستی علل جرائم خشونت آمیز انجام داده‌اند، بر تأثیر نابرابری‌های اقتصادی (نابرابری درآمد) بر انواع جرائم مالی و خشن تأکید کرده‌اند.

ارلیچ و بروور<sup>۶</sup> (۱۹۸۷: ۹۹) نیز در زمینه جرم اظهار داشته‌اند که جرم به طور معمول با متغیرهای فقر، بیکاری و نابرابری درآمد همبستگی دارد. کیوسوا و همکارانش (۱۹۹۵: ۷۹) نیز در حالی که به تأثیر متقابل گسترش و توسعه شهرنشینی و میزان تراکم جمعیت در مناطق مختلف بر میزان جرائم پرداخته‌اند، به سایر عوامل مؤثر نیم‌نگاهی داشته‌اند و معتقدند: فقر و تراکم جمعیت مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آدمکشی در مناطق شهری هستند. فقر و بیکاری مهم‌ترین عوامل تعیین کننده نرخ‌های آدمکشی در سطح روستاها می‌باشند.

کلی<sup>۷</sup> (۲۰۱۰) نیز در تحقیق خود در زمینه نابرابری و جرم به یک رابطه قوی

1. Block. Michael
2. Heineke. johan
3. Fajnzylber Pablo
4. Leder man banial
5. Loayza. norman
6. Ehrlich. Lssac & brower. George
7. Kelly

و مثبت بین نابرابری درآمد و جرائم مالی در بین کشورهای آمریکای دست یافته است، اما از نظر وی چنین رابطه‌ای برای جرائم خشونت آمیز و جرائم خانواده برقرار نبوده است.

کپوسوا و همکارانش (۱۹۹۵) به تأثیر مهاجرت به شهرهای بزرگ و توسعه نامتعادل شهرنشینی و تراکم بیش از حد جمعیت و سایر عوامل بر انحرافات پرداخته‌اند آن‌ها معتقدند «مهاجرت به شهر و گسترش شهرنشینی مهم‌ترین عامل مؤثر بر دزدی و سرقت می‌باشد. تحرک جمعیتی و شهرنشینی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شورش‌های تبهکارانه و دزدی است»

موزر و همکاران (۲۰۰۲) (به نقل از کلیناردو آبوت ۱۹۷۳) معتقدند که بیشتر جرائم توسط مردان جوان صورت می‌گیرد و این در حالی است که این گروه (مردان جوان)، بخش بزرگی از مهاجرین و جمعیت شهرها را تشکیل می‌دهند و پیش‌بینی می‌گردد میزان جرائم در آن مناطق (شهری) افزایش یابد.

همان‌گونه که در مطالعات انجام شده ملاحظه می‌شود؛ شیوع مسائل و آسیب‌های اجتماعی تحت تأثیر تغییرات اجتماعی - فرهنگی در طی فرآیند گذار است. در این تحقیق سعی بر آن است که سیمای از تغییرات اجتماعی فرهنگی تاثیرگذار بر جرائم و آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان ارائه شود؛ زیرا جامعه مورد مطالعه به دلیل دارا بودن بافت فرهنگی سنتی و درهم آمیختگی هنجارها و ارزش‌های هویتی پررنگ از جمله اجتماعاتی است که فرآیند گذار از سنت به مدرنیته را با هزینه‌های بسیاری متحمل شده است و نمود آن در افزایش جرائم و آسیب‌های اجتماعی است برای این منظور فهم شرایط خاص این جامعه در جهت تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی متأثر از تغییرات اجتماعی - فرهنگی شتابان حائز اهمیت فراوان است.

## مبانی نظری

از جمله تئوری‌های مرتبط با مسئله جرم و آسیب‌های اجتماعی در این تحقیق، تئوری بی‌سازمانی اجتماعی<sup>۱</sup> است که در اواسط دهه ۱۹۸۰ به عنوان یکی از دیدگاه‌های نظری عمده در مطالعه جرم مجدداً نمایان گردید. در ابتدا این تئوری

1. Social disorganization theory

## Archive of SID

عمدتاً خارج از مطالعات شهرنشینی شیکاگو توسط شاو<sup>۱</sup> و مک کی<sup>۲</sup> (۱۹۴۲)، به وجود آمده بود که بر روی توزیع اکولوژیکی جرم و بزهکاری تاکید می نمود با فرض اینکه علت اصلی جرم تغییر در توانایی محلات نسبت به مهار هنجارشکنی ساکنان خود می باشد. این توانایی به عنوان کارکرد همبستگی محله<sup>۳</sup> در نظر گرفته شده است که به وسیله اندازه، تراکم<sup>۴</sup> و گسترش پیوندهای شبکه ای و سطوح مشارکت سازمانی در میان ساکنان نمایان می گردد (مارکویتز و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱: ۲۹۳). شاو و مک کی (۱۹۴۲)، فرض کرده اند که مناطق شهری متراکم و بزرگ باعث ایجاد روابط انسانی سطحی می شوند که به ترتیب، تضاد بین فردی را افزایش داده و کنترل و نظارت رسمی را ضروری می نماید. این نتایج بی سازمانی اجتماعی، با فقر و تحرک گزینشی جمعیت در اطراف شهرها همراه گردیده و منجر به ضعف کنترل اجتماعی می شود که افزایش خرده فرهنگ های کجرو و به تبع آن افزایش میزان جرائم را به دنبال دارد (گالی و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). جرم شناسان و جامعه شناسان معتقدند که در نواحی که هنوز به صورت متروپل در نیامده اند ممکن است تحت شرایطی همبستگی اجتماعی تهدید گردد. این شرایط شامل رشد سریع جمعیت، رشد سریع اقتصادی، رشد شهرنشینی، نرخ بالای بیکاری و تداوم فقر می باشد (آرتور<sup>۷</sup>، ۱۹۹۱؛ جابز<sup>۸</sup>، ۱۹۹۹؛ اوزگود و چامبرز<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰؛ لی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳؛ ولز<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴؛ ریزیگ<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴؛ اسپانو و ناگی<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۵). بر اساس کار کلاسیک شاو و مک کی، مناطقی که از نظر اقتصادی - اجتماعی به صورت یکسان محروم بوده اند، برخلاف تغییرات در ترکیب قومی و نژادی شان، میزان بزهکاری بالایی را در طول مدت چندین دهه تجربه نموده اند. این فرآیند تأثیرات زمینه ای این

1. shaw

2. Mckay

3. Neighborhood cohesion.

4. Density

5. Markowitz &amp; et al

6. galea &amp; et al

7. Arthur

8. jobs

9. Osgood &amp; chambers

10. lee

11. wells

12. reisisg

13. spano &amp; nagy

اجتماعات محروم را بر روی میزان جرم نشان می‌دهد، علی‌رغم چیزی که جمعیت آن‌ها تجربه کرده بود. این یافته‌ها محققان را مجبور کرد که تفسیرهای فردگرایانه از بزهکاری را طرد کنند و در عوض بر فرآیندهای اجتماعی متمرکز شوند (سیگرت و همکاران، ۲۰۰۲، ۱۹۱). تئوری بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک کی (۱۹۴۲) و اخیراً کارهای انجام شده به وسیله بورسیک (۱۹۸۸ و ۱۹۸۶)، سمپسن (۱۹۸۵، ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷) و دیگران بر روی سازگاری گروهی نسبت به فرآیندهای اجتماعی از قبیل؛ شهرنشینی و تغییر الگوهای رشد اقتصادی، بیشتر از بزهکاری فردی تاکید می‌نماید (همان: ۲).

یکی از نظریات مرتبط با موضوع تحقیق، نظریه بوم‌شناختی و جمعیتی است که توسط اندیشمندانی چون «پارک» و «برگس» مطرح شده است آن‌ها در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت نظیر حوزه‌های سکوتی، مهاجرت و تراکم جمعیت تمرکز نمودند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم برخی از رفتارهای انحرافی نظیر خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو با هدف درک تأثیر عوامل بوم‌شناختی نظیر کیفیت محل سکونت بر بی‌سازمانی اجتماعی و جرم و بزهکاری را مورد مطالعه قرار دادند (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۵). علاوه بر این، دیدگاه منزلت‌های اجتماعی و اقتصادی معتقد است؛ میزان جرم با برخی شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی از جمله؛ غیراستاندارد بودن محل زندگی، اجاره‌نشینی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، تراکم بالای جمعیت، وجود اقلیت‌های قومی و بالا بودن نرخ مهاجرت ارتباط دارد (برگس و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۸۵).

در نظام فکری دورکیم، پیامدهای آنومی در شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی، در قالب تعارض شخصیت فردی خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگرخواه او متجلی می‌شود. نتیجه این تعارض، آن است که خواسته‌های وجدان جمعی، کارآیی خود را از دست می‌دهند. تضعیف این الزام‌ها و فشارها سبب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند. اینجاست که آرزوهای نامحدود، لجام‌ها را می‌گسلد و فشارهای را بر فرد وارد می‌آورد تا به رفتارهای مانند کجروی یا خودکشی دست یازد که دورکیم، آن‌ها را همان نادیده گرفتن مقتضیات وجدان

## Archive of SID

جمعی می‌داند (دورکیم، ۱۹۵۱: ۲۵۰). بدین شکل یکی از معانی ضمنی نظریه «بی‌هنجاری» دورکیم آن است که آرزوهای نامحدود، فشارهایی را بر افراد وارد می‌آورد تا به انحراف از هنجارهای اجتماعی دست یازند (رایزمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۱۰۴). نظریه‌ها و پیش فرض‌های دورکیم در مورد جرم و بزهکاری نیز مورد انتقاد بسیاری از تضادگرایان و جرم‌شناسان جدید نظیر تیلر، والتون و یانگ<sup>۲</sup> (۱۹۷۳) و راتر<sup>۳</sup> (۱۹۶۵) قرار گرفته است. آنان به این نکته اشاره کرده‌اند که اگر چه بکار بردن مفهوم آنومی و بی‌سازمانی اجتماعی در تبیین جرم و بزهکاری نقطه شروع خوبی است، ولی در تحلیل و تبیین رفتار انحرافی، دورکیم عوامل فرهنگی، نظیر قومیت<sup>۴</sup> را انکار نموده است، در حالی که عوامل فرهنگی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رفتار انحرافی داشته باشد.

مرتن (۱۹۷۰) در مقاله معروفش با عنوان «ساخت اجتماعی و آنومی» مفهوم آنومی دورکیم را تعدیل کرد. به عقیده او تضاد میان اهداف فرهنگی مانند پول، قدرت و مقام و «ابزارهای نهادی شده مشروع»<sup>۵</sup> برای دسترسی به آن اهداف منبع اولیه آنومی است. جرم و بزهکاری از ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نشئت می‌گیرد. همه اعضای جامعه در ارزش‌های مشترک سهیم‌اند و وفاقی جمعی درباره ارزش‌ها در جامعه وجود دارد، ولی چون اعضای جامعه به لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌گیرند، برای درک ارزش‌های مشترک فرصت‌های مساوی ندارند و چنین وضعی ممکن است موجب انحرافات اجتماعی شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۴). استدلال اساسی ورث این بود که ویژگی زندگی شهری، انزوا و بی‌سازمانی اجتماعی است، بدین علت که همه شهرها، بزرگ، متراکم و ناهمگون‌اند (سویج، ۱۳۸۰: ۱۳۷). این سه مفهوم در نظر ورث خصایص اصلی شهر در نظر گرفته می‌شوند. دو مفهوم اول بوم‌شناختی هستند و مفهوم سوم جامعه‌شناسی است؛ که از دو مفهوم اول استنتاج می‌شود. بزرگی یک جامعه باعث افزایش تنوع در جمعیت می‌شود. هر چه جمعیت بزرگ‌تر باشد جدایی‌های فضایی بر مبنای نژاد، قوم و منزلت بیشتر خواهد شد. جدایی فضایی

1. wrightsmen

2. Taylor, Walton and young

3. Ruther

4. Ethnicity

5. Institutionalized legitimate means



در شهر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و احساساتی می شود که جوامع کوچک از آن برخوردارند. ضعیف شدن این پیوندها باعث تقویت رقابت و ضرورت حضور نظارت رسمی می گردد (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۴۰-۱۳۹).

در راستای هدف تحقیق که به مسئله تغییرات اجتماعی - فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون و تاثیرات آن بر شیوع و گسترش جرائم آسیب های اجتماعی در استان لرستان پرداخته است، سعی شده است که پس از مرور تحقیقات پیشین و نظریات تخصصی (دورکیم، مرتن، پارسونز، شاو و مک کی و لوی ورت) این حوزه و همچنین انجام مطالعه اکتشافی در جامعه مورد مطالعه، مفاهیم اصلی تحقیق شناسایی شوند و به تحلیل گزاره های مستخرج شده و فهم جامع تر و تعمیق نتایج پرداخته شود.

### فرضیه ها

فرضیه های این پژوهش عبارت اند از: بین شاخص های اجتماعی و فرهنگی از قبیل شهرنشینی، مهاجرت، افزایش باسوادی، افزایش فضاهای فرهنگی و مذهبی، تراکم جمعیت، میزان طلاق و بیکاری که ناشی از فرآیند مدرنیزاسیون هستند با جرم در استان لرستان رابطه معناداری وجود دارد.

### روش تحقیق

در این پژوهش در ابتدا به روش اسنادی و کتابخانه ای به مطالعه و مروری بر متون نظری و مطالعات پیشین پرداخته شده است و در ادامه برای گردآوری داده ها و اطلاعات، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. جامعه آماری کلیه زندانیان استان لرستان و مردم عادی بودند و نمونه گیری به روش خوشه ای چند مرحله انجام گرفت که در نهایت ۲۶۰ نفر از مردم عادی و زندانیان انتخاب شدند. برای تعیین اعتبار ابزار اندازه گیری، پرسشنامه تحقیق پس از طرح سؤالات، در اختیار تعدادی از اساتید، صاحب نظران و دانشجویان دکتری علوم اجتماعی قرار گرفت و دیدگاه های اصلاحی آنان اخذ گردید و بدین شکل اعتبار صوری و محتوایی گویه های پرسشنامه مشخص گردید. همچنین تعداد ۲۰ پرسشنامه در مرحله پیش آزمون توسط شرکت کنندگان در تحقیق، تکمیل گردید. همچنین ضریب ظریب پایایی آلفای کرونباخ برای متغیرها و شاخص های تحقیق با استفاده از نرم افزار spss محاسبه شده و نتایج بدست آمده ضریب پایایی بالای ۷۰ درصد را نشان داد. به این معنا که پایایی سؤالات تحقیق

مطلوب می‌باشد. همچنین برای تکمیل داده‌ها از داده‌های سه پیمایش ملی مرکز رصد اجتماعی کشور، سازمان زندان‌های استان لرستان، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان لرستان و سالنامه‌های آماری مربوطه استفاده گردید.

## یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق در قالب دو بخش اطلاعات کمی و کیفی ارائه شده است. در بخش اول به بررسی وضعیت استان لرستان از حیث رابطه بین شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی و جرائم پرداخته می‌شود و در پایان مدل حاصل از رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری ارائه می‌گردد. در بخش دوم نیز با استفاده از داده‌های کیفی گردآوری شده در جهت تعمیق نتایج تلاش می‌شود.

جدول (۱): محاسبه ضریب همبستگی بین متغیرها

متغیر وابسته متغییر مستقل	خودکشی	قتل	سرقا	مخدر قاچاق مواد اعتیاد و	کل جرائم (میانگام)		
						co	sig
تراکم جمعیت	۰,۷۴	۰,۹۵	۰,۲۵	۰,۴۵	۰,۶۱	co	
	۰,۰۰۸	۰,۰۰۰	۰,۴۳	۰,۱۵	۰,۰۱۴	sig	
شهرنشینی	۰,۷۵	۰,۹۵	۰,۰۳۱	۰,۴۱	۰,۶۵	co	
	۰,۰۰۸	۰,۰۰۰	۰,۳۳	۰,۱۷	۰,۰۲	sig	
طلاق	۰,۴۰	-۰,۳۹	۰,۱۴	۰,۷	۰,۴۷	co	
	۰,۰۵	۰,۰۲۵	۰,۶۶	۰,۰۱	۰,۰۳۲	sig	
مهاجرت	۰,۳۸	۰,۷۸	۰,۳۷	۰,۱۷	۰,۴۸	co	
	۰,۰۰۳	۰,۰۰۱	۰,۲۸	۰,۰۲	۰,۰۰۲	sig	
اماکن مذهبی	-۰,۶۱	-۰,۳۶	-۰,۲۴	-۰,۰۹	-۰,۶۱	co	
	۰,۱۶	۰,۳۰	۰,۴۹	۰,۱۷	۰,۱۶	sig	

-۰٫۷۰ ۰٫۰۲	-۰٫۵۶ ۰٫۰۹	-۰٫۸۴ ۰٫۰۰۲	-۰٫۰۸ ۰٫۸۲	-۰٫۶۳ ۰٫۰۴	co	میزان باسواد
					sig	
۰٫۸۷ ۰٫۰۴	۰٫۴۷ ۰٫۰۴	۰٫۵۴ ۰٫۰۱۲	۰٫۲۳ ۰٫۴۲	۰٫۶۵ ۰٫۰۴	co	فقر
					sig	
۰٫۶۷ ۰٫۰۳	۰٫۵۷ ۰٫۰۸	۰٫۸۴ ۰٫۰۰۲	۰٫۱۳ ۰٫۷۱	۰٫۶۳ ۰٫۰۴	co	بیکاری
					sig	

با استناد به نتایج ارائه شده در جدول (۱) و با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۵ رابطه آماری معنی داری بین متغیرهای شهرنشینی، تراکم جمعیت، بیکاری، مهاجرت، طلاق و فقر با میزان جرم در استان لرستان ملاحظه می گردد. از طرفی مقدار این رابطه به ترتیب برابر با ۰/۶۵، ۰/۶۱، ۰/۶۷، ۰/۴۸، ۰/۴۷ و ۰/۵۷ است؛ که دلالت بر همبستگی بین شاخص های ذکر شده با نرخ جرائم در استان لرستان دارد. به عبارتی هرچه میزان بیکاری، تراکم جمعیت، شهرنشینی و طلاق افزایش یافته است میزان جرائم نیز افزایش یافته است. از طرفی بین شاخص نرخ باسوادی و میزان جرائم رابطه معکوس و معناداری وجود دارد به این معنا که هرچه میزان باسوادی و تحصیلات بالا در لرستان افزایش یافته است از میزان جرائم کاسته شده است. بین افزایش امکان مذهبی و نرخ جرائم رابطه معناداری مشاهده نگردید.

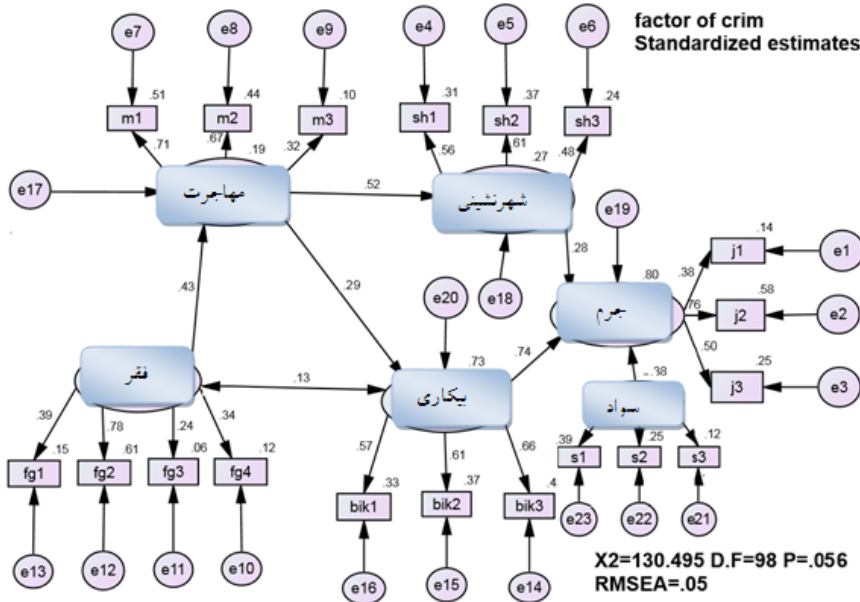
**رگرسیون:** با استفاده از تکنیک آماری رگرسیون چند متغیره گام به گام روابط مزبور مورد ارزیابی قرار گرفته است. به همین منظور متغیرهای مورد نظر به روش گام به گام وارد معادله گردید، اما نتایج محاسبات رگرسیون به این روش نشان می دهد که در نهایت شاخص های شهرنشینی، فقر، بیکاری، باسوادی و مهاجرت به شرح جدول شماره (۲) باقی مانده و بخشی از تغییرات ملاک، یعنی جرم را تبیین می کنند. سطح معنی داری آزمون ها کمتر از ۰/۰۵ بوده که این درجه اطمینان آزمون های انجام شده را نشان می دهد. طبق داده های جدول این متغیرها ۰/۳۱ با جرم همبستگی داشته اند همچنین بر اساس مقدار ضریب تعیین یا  $R^2$  (مجذور

همبستگی)، این متغیرها توانسته‌اند ۰/۰۹۸ تغییرات جرم را پیش بینی نمایند که در بین متغیرها، فقر قوی ترین پیش بینی کننده بوده است  $B=(۰/۴۱۹)$



جدول (۲) ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده متغیره بزهکاری

متغیر	ضریب غیر استاندارد (B)	ضریب استاندارد (Beta)	T-value (ارزش T)	Sig (معناداری)
فقر	۰,۳۹۳	۰,۴۱۹	۶,۱۹	۰,۰۰
شهرنشینی	۰,۲۷۳	۰,۳۰۸	۴,۲۱	۰,۰۰
بیکاری	۰,۲۲۷	۰,۲۴۵	۰,۳۵۱	۰,۰۱
مهاجرت	۰,۲۳۶	۰,۲۴۰	۴,۱۲	۰,۰۰
افزایش سطح سواد	-۰,۳۱۰	۰,۳۲۰	۴,۱۵	۰,۰۲



نمودار شماره ۱: مدل معادله ساختاری مستخرج از نتایج تحقیق

شاخص RMSEA<sup>۱</sup> یکی از شاخص های اصلی نیکویی برازش در مدل یابی معادلات

1. Root Mean Square Error of Approximation

ساختاری است. ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین یا همان RSMEA در بیشتر تحلیل‌های عاملی تأییدی و مدل‌های معادلات ساختاری استفاده می‌شود. براساس دیدگاه مک کالوم (۲۰۰۰)، براون (۲۰۰۳) و چریرا (۲۰۰۶) اگر مقدار این شاخص کوچک‌تر از ۰/۰۱ باشد برازندگی مدل بسیار عالی است. اگر بین ۰/۰۱ و ۰/۰۵ باشد برازندگی مدل خوب است اگر بین ۰/۰۵ و ۰/۰۸ باشد برازندگی مدل متوسط است. کلاسن (۲۰۱۰) معتقد است این شاخص باید کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد. با توجه به امکان ایجاد مدل‌های اشباع می‌توان گفت اگر این شاخص کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد مطلوب است. لذا در این مدل با توجه به مقدار شاخص نیکویی برازش یعنی ۰/۰۵ و نیز نسبت خی دو به درجه آزادی که باید کمتر از ۳ باشد، مدل از برازندگی خوبی برخوردار است. از این رو می‌توان مدل فوق را مدل مناسبی دانست. مدل‌یابی معادله ساختاری یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را بصورت هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. این روش محقق را با پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی (تأثیرگذاری مجموعه‌ای از متغیرها بر یکدیگر به طور یک سو و دو سو، مستقیم و غیرمستقیم) و همچنین پیچیدگی‌های موجود در اندازه‌گیری‌های سازه‌های پنهان فرهنگی و اجتماعی نزدیک می‌کند. در این مقاله به بررسی مهم‌ترین عوامل اثر گذار بر جرم در استان لرستان پرداخته شد. همانطور که در مدل نهایی ملاحظه می‌گردد متغیرهای فقر، بیکاری، مهاجرت، شهرنشینی و سطح سواد از جمله متغیرهای تبیین‌کننده جرم در لرستان هستند به این ترتیب که بین فقر و بیکاری رابطه دوسویه حاکم است و از جمله عوامل تأثیر گذار بر فقر، مهاجرت می‌باشد. مهاجرت باعث افزایش شهرنشینی گردیده است و افزایش شهرنشینی از جمله عوامل مهم در تبیین جرم است.

## بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه معناداری بین متغیرهای فقر، نابرابری اقتصادی، بیکاری، شهرنشینی، مهاجرت، سطح تحصیلات با جرم است. یافته‌ای پژوهش با یافته‌های فاینزلیبر، لیدرمنو، لویزا (۲۰۰۸)، بلوک<sup>۱</sup> و هینک (۱۹۷۵)، آرتور، (۱۹۹۱)؛ جابز، (۱۹۹۹)؛ اوزگود و چامبرز، (۲۰۰۰)؛ لی، (۲۰۰۳)؛ ولز، (۲۰۰۴)؛ ریزیگ، (۲۰۰۴)؛ اسپانو و ناگی، (۲۰۰۵) و کلی (۲۰۱۰) مبنی بر وجود رابطه بین نابرابری‌های اقتصادی (نابرابری درآمد) بیکاری و انواع جرائم همخوانی دارد. همچنین در رابطه با فقر و شهرنشینی با مطالعات ارلیچ و بروور<sup>۲</sup> (۱۹۸۷)، کپوسوا و همکارانش (۱۹۹۵)، همخوانی دارد آن‌ها در حالی که به تأثیر متقابل گسترش و توسعه شهرنشینی و میزان تراکم جمعیت در مناطق مختلف بر میزان جرائم پرداخته‌اند، فقر و تراکم جمعیت را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر جرم در مناطق شهری می‌دانند.

همچنین در ارتباط با وجود رابطه معنادار بین متغیرهای، مهاجرت، سطح تحصیلات با جرم، با یافته‌های رحیمی نژاد، (۱۳۸۰)؛ صادقی، (۱۳۸۴)؛ ورکی، (۱۳۸۷)؛ یعقوبی و همکاران (۱۳۹۳)؛ جلیلیان، (۱۳۹۴)؛ کوتر و همکاران (۱۳۸۸)؛ چو، (۲۰۰۸)، دهلبگ و گوستاوسون، (۲۰۰۸) همخوانی دارد. کلوارد و اهلین<sup>۳</sup> تأکید می‌کنند که شکل‌گیری انحرافات و جرم در واقع واکنشی است در برابر نوعی فشار ناشی از کشش بین آنچه فرد می‌خواهد و آنچه امکان دسترسی بدان را دارد؛ و جرائم و انحرافات آنان نیز با تکیه بر همین مفهوم نوعی دست‌یازی به شیوه‌ها و ابزارهای غیرمجاز برای دسترسی به غایت‌های مقبول و مرسوم قلمداد می‌شود (گردان، ۱۹۸۶). اغلب می‌توان نوعی احساس بی‌عدالتی و احساس محرومیت نسبی را در افرادی که مرتکب جرم می‌شوند مشاهده نمود چرا که آنان توان خویش را در برآوردن معیارهای ارزیابی نهادینه و مرسوم، باور داشته باشند، مترصدند فرصتی پیش آید تا توجه مردم را به بهترین وجه به خود جلب کنند (بودن، بوریگاد، ۱۳۷۷: ۳۲) و اگر این فرصت خود به وجود نیاید، آنان ضمن گریز از مسئولیت به سرزنش نهادهای مسئول در این زمینه می‌پردازند. آن‌ها نبود فرصت‌های اجتماعی عادلانه را در واقع ناشی از بی‌اخلاقی‌ها و احجاف‌های صاحبان قدرت، پارتی‌بازی‌های

1. Block. Michael

2. Ehrlich. Lssac &amp; brower. George

3. Cloward &amp; ohlin

آنان برای نزدیکان خود وامثال آن تفسیر کرده‌اند. لذا کلوارد و اوهلین یادآور می‌شوند که این افراد خود را محق به توسل به وسایلی که مورد تأیید جامعه نیست، می‌دانند و آن را مشروع می‌دانند. نظریه فرصت افتراقی بر «در دسترس بودن فرصت‌های نامشروع یا کجروانه در زمان وجود فشارهای ساختاری»، تأکید دارد (محسنی تبری، ۱۳۷۳: ۲۱). شکی نیست که وضع زندگی روستاها و شهرهای این منطقه نسبت به سه دهه قبل، از بسیاری جهات از جمله سواد و معلومات، رفاه اجتماعی، ارتقاء سطح بهداشت، تجهیز راه‌های ارتباطی، استفاده از رسانه‌های جمعی و امکانات دیگر بهبود یافته است. با وجود تمام این ترقیات وضع زندگی، به همراه خود برخی ناراحتی‌ها و ناکامی‌ها را به ارمغان آورده است و به همین علت احساس «کمبود و محرومیت» روز به روز بیشتر می‌شود. این محرومیت‌ها و کمبودها، به خودی خود، برخی از «ناراحتی‌ها» و «عصبانیت‌ها» را به وجود آورند. مبنای این ناراحتی‌ها، واقعیت‌های زندگی روزمره به ویژه مشکلات اقتصادی و تقابل ارزش‌های سنتی و مدرن است و مبنای عصبانیت‌ها تضادهای موجود در اجتماع و خانواده است. اهمیت مسئله در آن است که احساس کمبود و محرومیت ولو آنکه غلط و یا تصویری هم باشد، نتیجه‌اش تحریک عکس‌العمل‌ها و در نتیجه ازدیاد خشونت است. جامعه‌ای که راه حلی برای فرار از مشکلات پیش روی اعضایش نگذارد، فرد را سوق می‌دهد تا با استفاده از هر راهی خود را از این مشکلات برهاند. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق و تعاملی نشان می‌دهد که در منطقه علی‌رغم حضور مدنیزاسیون و فرهنگ و ارزش‌های خاص آن، هنجارها و ارزش‌های سنتی از بین نرفته‌اند و در کنار ارزش‌های مدرن به قوت خود باقی هستند. با توجه به نظریات دورکیم، با ظهور مدرنیته غربی تمام مولفه‌های انسجام‌بخش سنت از بین می‌روند و دیگر نمی‌توانند نقشی در همبستگی جامعه و کنترل افراد داشته باشند؛ بنابراین حضور همزمان سنت و مدرنیته ممکن نیست و اگر هم باشد امری گذرا و ناپایدار است در صورتی که ورود مدرنیته به جوامع جهان سوم غیر از این است. به این معنا که سنت همچنان کارکرد خود را دارد و در کنار تمایزات ساختاری به هویت بخشی و انسجام بخشی تداوم می‌بخشد. حضور هم‌زمان این دو، تعارضات و تناقضات زیادی را در سطوح مختلف این جوامع به وجود آورده‌اند (کچوئیان، ۱۳۸۲؛ آزادارمکی، ۱۳۸۰، میرسپاسی، ۱۳۸۲). مدنیزاسیون

## Archive of SID

مجموعه‌ای از برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی شدن، شهرنشینی و کاربرد تکنولوژی در زندگی روزمره است این مجموعه از تغییرات با نگرش فرهنگی با نام مدرنیسم همراه است به این ترتیب که مدرنیته تجربه‌ای است که در آن فرد یا جامعه‌ای نسبت خود را با این دو مشخص می‌سازد. اگر جامعه‌ای صرفاً بر بعد تکنیکی و مدرنیزاسیون تکیه کند و توجهی به بینش فکری آن نداشته باشد، مدرنیته در آن جامعه به صورت مقطعی، به وضوح نافرجام یا شدیداً مسخ شده و مخدوش به وقوع می‌پیوندد (برمن، ۱۳۸۰: ۲۱۲). همین مسئله باعث تعارضات و تناقضاتی در این منطقه شده است. این تعارضات در بسیاری از ابعاد زندگی ساکنان منطقه نمایان است از جمله در عشق و انتخاب همسر، کار و اشتغال، انتظارات و توقعات از زندگی و غیره. این مسئله برای تعداد قابل ملاحظه‌ای از ساکنین و نسل جدید در منطقه بسیار پر هزینه بوده است. چرا که با انسان‌هایی روبه رو هستیم که در سردرگمی و بلا تکلیفی به سر می‌برند و از یک طرف سعی می‌کنند ظواهر دنیای مدرن را داشته باشند و همزمان ارزش‌های سنتی خود را نیز حفظ نمایند. آن‌ها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته از سنت پیروی کنند، فردگرایی مدرن را پذیرفته‌اند اما برای آن‌ها این امکان وجود ندارد که آنگونه تصمیم بگیرند، چون در مقابل سنت قرار می‌گیرند؛ بنابراین فرد در چنین شرایطی فشارهای زیادی را باید تحمل کند و دچار سرخوردگی، بی‌خانمانی ذهن و آسیب‌های ناشی از آن می‌شود.

همان‌گونه که گفته شده از جاکندگی از جامعه سنتی و طولانی شدن و حتی توقف فرآیند گذار از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر گسترش تعارضات اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و متعاقب آن، آسیب‌های اجتماعی در جامعه محلی بوده است؛ بنابراین برای رهایی از شرایط آنومی ایجاد شده در نتیجه مدرنیزاسیون ناقص، لازم است رویکرد نهادهای متولی و ساکنان توسعه و تغییرات اجتماعی تغییر کند؛ زیرا بکارگیری رویکرد یکسان در تمام اجتماعات امری نادرست بوده است. جامعه محلی مورد نظر بنا به اقتضات فرهنگی و درهم آمیختگی‌های ارزشی و هنجاری خاص خود نیازمند به کارگیری رویکردهای توسعه‌ای معطوف و مبتنی بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی است. رویکردهای کالبدی - ظاهری پیشین نه تنها ظرافت‌های فرهنگی و اقتصاد محلی را در نظر نداشته‌اند؛ بلکه الگوی مطلوب زیست‌پذیری را هم در جامعه نگسترانده‌اند. به واسطه چنین تغییرات شتاب‌زده‌ای، اقتصاد و فرهنگ محلی



دو گزینه‌ای است که در مدار حاشیه‌ای شدن قرار گرفته‌اند و جایگزین مطلوبی نیز برای ایجاد نشده است. نتیجه چنین امری فقر و تنگدستی و فروپاشی ستون‌های عرفی - اخلاقی محلی و نهایتاً قانون‌گریزی، ناامنی و گسترش جرم است؛ بنابراین طولانی شدن و حتی توقف فرآیند گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن مهم‌ترین عامل آنومی اجتماعی در استان لرستان است و لازم است در جهت بازجایگیری نهاد از جاکنده، اقدامات نهادی متناسب بافت محلی اتخاذ شود. بر همین اساس پیشنهاد می‌گردد با تدوین استراتژی‌های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت به منظور ارتقا سطح آگاهی عمومی جامعه و هشدار نسبت به پیامدهای خطرناک جرائم از جمله اعتیاد و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از این پدیده؛ و در نهایت همکاری نهادهای دولتی و غیردولتی بخصوص سازمان‌های مردم‌نهاد در آگاهی‌دادن و کاهش عوامل و شرایط جرم‌زا صورت گیرد و در کوتاه مدت می‌توان با کمترین تلاش در جهت امیدوار نمودن شخص به این‌که شرایط تغییر خواهد کرد؛ با ایجاد آرامش و اطمینان به شخص به گونه‌ای که شخص در برابر مشکلات و بیکاری احساس دلگرمی و پشتیبانی نماید؛ و در صورت امکان با تغییر شرایط و عوامل ایجادکننده جرم، زمینه ارتکاب آن را کاهش دهیم. همچنین برنامه‌ریزی برای توانمندی خانواده‌ها و افراد آسیب‌دیده از طریق حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی، آموزش از طریق رسانه‌های جمعی (تلویزیون و رادیو و...)، مدارس، در جهت ارتقای سطح آگاهی فرهنگی و اجتماعی مردم منطقه در زمینه ایجاد تفاهم و درک متقابل از اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای دو نسل پدران و فرزندان، برنامه‌ریزی نهادهای فرهنگی و اجتماعی جهت کاهش احساس محرومیت، ناامنی و بی‌عدالتی اجتماعی و در نهایت تدوین استراتژی کلان و برنامه‌ریزی مدون به منظور پیشگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها و حاشیه نشینی، پیشنهاد می‌گردد.

امروزه این مسئله که مبارزه با جرم و انحراف به‌تهایی از عهده‌ی یک نهاد برنمی‌آید و هیچ دستگاه و نهادی نمی‌تواند بار این مسئولیت عظیم را به‌تهایی به دوش بکشد؛ امری بدیهی و موردپذیرش صاحب نظران است. بنابراین یکی از مهمترین اقدامات لازم جهت مقابله با جرم در استان لرستان استفاده از تمام ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی است. اگرچه وظیفه تعقیب و مجازات مجرمین و برقراری نظم و امنیت در جامعه سابقاً از وظایف انحصاری پلیس شمرده می‌شد

## Archive of SID

و سایر اعضای جامعه در این زمینه نقش مؤثری نداشتند، اما اکنون جامعه‌ی مدنی، جامعه محلی، نهادهای غیردولتی، شوراها، نهادهای میانجیگری و ... همگی بایستی در امر کنترل و مدیریت جرم و به ویژه پیشگیری از جرم با نیروی پلیس همکاری کنند، به نحوی که پلیس بدون همیاری آن‌ها هرگز نمی‌تواند از عهده وظایف سنگین خود به خوبی برآید. از این رو رویکرد پلیس جامعه محور به عنوان الگوی بدیل برای مقابله با جرم پیشنهاد می‌شود. در دیدگاه جامعه محور، پلیس و مردم از رابطه‌ای مبتنی بر صمیمیت، اعتماد و مسئولیت‌پذیری برخوردار هستند و هرکدام به دیگری در امر پیشگیری از جرم، کمک می‌نمایند. مشارکت و همکاری پلیس و جامعه - به ویژه جامعه‌ی محلی - آمار جرم را به نحو فراوانی کاهش می‌دهد. وقتی مردم بدانند که فعالیت آن‌ها در امر پیشگیری از جرم مفید است و خود را در مسائل مربوط به جامعه سهیم بدانند، آنگاه با آگاهی و رغبت بیشتری در این زمینه اقدام می‌کنند.

- احمدی، حبیب (۱۳۷۷)، «نظریه‌های انحرافات اجتماعی»، شیراز: انتشارات زر.
- ۸۱ احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی انحرافات»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بابایی محمدعلی، انصاری اسماعیل (۱۳۹۳)، تحلیل اقتصادی پیشگیری از جرم، نشریه مطالعات حقوقی علوم اجتماعی و انسانی شیراز، دوره ۶، شماره ۱ پیاپی ۱۱.
- برمن، مارشال (۱۳۸۶)، «تجربه‌ای مدرنیته»، ترجمه فرهادپور، تهران: انتشارات طرح نو.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰)، «توسعه و تضاد» تهران. شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۶)، «جامعه‌شناسی کجروی»، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سویج، مایکل، آلن وارد (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی شهری»، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، نشر تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- صادقی، حسین؛ اصغرپور، حسین و شقاقی، وحید (۱۳۸۴) تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، صص ۶۳-۹۰.
- عباسی ورکی، الهام (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهر قزوین با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی.
- علی اکبرپور جواد، راد فیروز (۱۳۹۴) بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش به ارتکاب جرم در مناطق ده گانه تبریز، نشریه: مطالعات جامعه‌شناسی دوره ۷، شماره ۲۶.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۴)، «تطورات گفتمان‌های هویتی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد»، تهران: نشر نی.
- کلاهیجان، محمود (۱۳۸۲)، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی.

## Archive of SID

- محسن زاده هریس بلال، فرجی راد عبدالرضا (۱۳۹۳) تحلیل فضایی توزیع جرم در مناطق دهگانه شهر تبریز، نشریه: جغرافیایی سرزمین دوره ۱۱، شماره ۴۱.
- ممتاز، فرید (۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی شهری»، نشر تهران.
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۴)، «تاملی در مدرنیته ایرانی»، ترجمه جلال توکلیان، تهران: طرح نو.
- یوسفوند، سامان (۱۳۹۵). پدیدارشناسی مداخلات توسعه‌ای در اجتماعات محلی، رساله دکترای جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- صالحی مرزيجرانی، زهرا (۱۳۸۴)، آسیب‌شناسی شهرنشینی در ایران امروز، فصلنامه اطلاعات اقتصادی سیاسی، شماره، ۲۱۲.

- Arthur, John A. (1991). "Socioeconomic Predictors of Crime in Rural Georgia." *Criminal Justice Review* 41-29 :16.
- Berg, Bruce. (2006), "Qualitive Research Methods for The Social Sciences", New York: Allyn and Bacon.
- Block. Michael, Heineke. John, (1975): "A Labour Theoretical Analysis of Crimhnal choice". *American Econemic Review*, 1975, Vol. 65.\
- Corbin, J. and A. Strauss (2008), "Basics of Qualitive Research", Third Edition, London: Sage Publication Inc.
- Denzin, N and Y. Lincoln (2005), "The Sage Handbook of Qualitative Research," Third Edition, London: Sage Publications Ltd.
- Durkheim, E. 1951," Suicide", Translanted by J. A. Spaulding and G. simpon, New York: Free Press.
- Ehrlich, issac & brower, George d, (1987): "on the issue of causality in the economic model of crime and Law Enforcement: some Theoretical Considerations and Experimental Evidence". *American Economic Review*, 1987, vol.77, No.2

- Fajnzylber. Pablo, Lederman. Denial and Loayza. Norman (February 1999):  
“The Cause of Crime And Violence: A Guide for empirical Ressarchers”.  
Web.<http://wbln0018.worldbank.org/LAC/lacinfoclient.nsf>.
- Galea, Sandro., Karpti, Adem., Kennedy, Bruce., 2002. “Social Capital  
And Violence in the United States, 1993-1974”. Social Science &  
Medicine, Vol. 55, Issue 8.
- Harrell, Erik (2007), Adolescent Victimization and Delinquent  
Behaviour, 1 fb, Scholarly Publishing.
- Jobs, Patrick C. (1999), “Residential Stability and Crime in Small Rural  
Agricultural and Recreational Towns.” Sociological Perspectives 3) 42,  
Autumn): 524-499.
- Kelly. Morgan (2000): “Inequality and Crime”. The Review of  
Economic and Statistic, 2000, Vol, 82, No 4.
- Kposowa. Augusting j, Breault. Kevin D. & Harrison. Beatrice M,  
(1995): “Reassessing The Structurs Covariates of Violent and Property  
Crimes hn the USA”. A County Level British Journal of Sociology,  
1995, Vol. 46, No 1.
- Lee, Matthew R., Michel O. Manune, and Graham C. Ousey. (2003).  
“Social Isolation and Lethal Violence Across the Metro/Nonmetro  
Divid: the Effects of socioeconomic Disadvantage and Poverty  
Concentration on Homicide.” Rural Sociology 181-107 :(1) 68
- Morkowitz, Fred E. Bellair, Paul E. Liska, Allen E. and Liu, Janhong,  
2001. “Extending Social Disorganization Theory: Modeling the  
Relationships Between Cohesion, Disorder, and Fear”. Criminology,  
Volume 39. N. 2.
- Moser. Christine, Fafchamps. Marcel (2002): “Crime, Isolation, and Law

Enforcement”.www.wider.oun.edu/conference/conference4-2002-/conference-4-2002-papers.

- Neuman, L. (2006), “Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approach”, Sixth Edition. London: Allyn and Bacon.
- Osgood, D. Wayne, and Jeff M. Chambers. (2000). “ Social Ddisorganization Outside the Metropolis: An Analysis of Rural Youth Violence.” *Criminology* 116-81 :(1) 38.
- Rephann, Terrance. J. (1999). “ Links Between Rural Development and Crime.” *Papers in Regional Science* 386-365 :78.
- Saegert, S. Winkel, Gary and Swartz. Charles, 2002. “Social Capital and Crime in New York, Low- Income Housing”. *Housing Policy Debate*, Volume 13, Issue 1.
- Spano, Richard, and Steve Nagy. (2005), “Social Guardianship and Social Isolation: An Application And Extension of Lifestyle/ Routine Activities Theory to Rural Adolescents.” *Rural Sociology* 437-414:(3)70.
- Spano, Richard, and Steve Nagy. (2005), “Social Guardianship and Social Isolation: An Application And Extension of Lifestyle/ Routine Activities Theory to Rural Adolescents.” *Rural Sociology* 437-414:(3)70.
- Strauss, A.and J. Corbin (1998), “Basics of Qualitive Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory,” Second Edition Thousand Oaks, CA: Sage Publications Ltd.
- Wells, L. Edward, and Ralph A. Weisheit. (2004). “Patterns of Rural and urban Crime: A county-Level Comparison.” *Criminal Justice Review* 29(spring): 22-1.
- Wells, L. Edward, and Ralph A. Weisheit. (2004). “Patterns of Rural and urban Crime: A county-Level Comparison.” *Criminal Justice*

Review 29(spring): 22-1.

- Wrightsman, L.S, M.T. Nietzel & W.Hfortune (1998): psychology and the Legal system. U.S.A: Broks/cole publishing Company



۸۵